

ترجمه و تلخیص: دکتر فیض‌الله توحیدی  
مدیرعامل شرکت داروسازی الحاوی

---

■ اعتیاد جرمی علیه اجتماع است و معتاد یک  
مجرم بوده که باید همه افراد اجتماع با وی  
برخورد کنند.

---

تجربه تا این  
در  
مسئله اعتیاد



در این نوشتار مؤلف معتقد است که یک برنامه تعاونی منضبط همراه با همکاری تمامی سطوح جامعه می‌تواند رمز پیروزی علیه اعتیاد دارو باشد و پیشنهاد می‌کند که برمبنای تجربه موفقیت آمیز ژاپن که از سال ۱۹۴۵ تاکنون جریان دارد سازمان ملل متحد کنوانسیون جدیدی تدوین و ارائه نماید.

اعتیاد بیشتر از هر مشکل دیگری در جامعه بشری سازمانها و خدمات انتظامی را درگیر و نگران کرده است و با وجود این دانش، استراتژی لازم برای این مبارزه بشکل موثر تاکنون نصیب هیچ سازمانی نشده

---

### ■ اعتیاد در ژاپن معلول تشویق و دلهره ناشی از صنعتی شدن نیست، بلکه زائده‌ای بر بیسودای، بی فرهنگی و بیکاری است.

---

است و این پدیده باین دلیل است که توفیق در این مبارزه تمامی تلاش و همکاری سازمانهای مربوطه را می‌طلبد در عین حالیکه باید بحدود مرزهای قانونی خود احترام بگذارند.

اعتیاد بگونه‌ای فراگیر تمامی جنبه‌های زندگی بشری را زیر تأثیر می‌گیرد. اعتیاد آثار قانونی، حقوقی، پزشکی، دارویی، روانی، فرهنگی، آموزش مذهبی و سیاسی بروی فرد و جامعه اعمال می‌کند و بهمین دلیل برای بثمر رساندن یک مبارزه باید تمامی این جنبه‌ها لحاظ شود و باید پذیرفت که یک سازمان مستقل هر چند هم قوی به تنهایی از عهده انجام این مهم برنخواهد آمد.

همکاری و تعاون در ریشه کنی این پدیده شوم و تعیین دقیق حدود مسئولیت‌ها توسط ژاپن تجربه شده و توفیق داشته است. در ژاپن وظیفه سازمانهای

بهداشتی کنترل مواد مخدر و درمان معتادان و همکاری با پلیس ژاپن و مرکز پیشگیری اعتیاد می‌باشد.

روشن کردن این وظائف ضمن همکاری و هم‌آهنگی کامل باعث تفاهم متقابل و افزایش قدرت تاثیر مبارزه می‌باشد. سعی شده است فاصله تئوری و عمل در این مبارزه مخصوصاً بین چهره‌هایی مثل پلیس، پرسنل زندان، مددکاران و سایر گروههای همکار به حداقل ممکن کاهش یابد.

بموازات تعیین وظایف ارگانهای مسئول (مثلاً مقامات بهداری در رابطه با کنترل مواد مخدر، معالجه معتادان و همکاری با مراکز پیشگیری اعتیاد) روی آموزش نیروی پلیس نیز دقت کافی بعمل آمده است زیرا نیروی پلیس مورد اعتماد مردم عادی بوده و بعلت تماس دائم قدرت بسیج نیروهای مردمی را علیه پدیده اعتیاد دارند. پلیس براحتی با مردم تماس می‌گیرد، مسائل حقوقی و قضائی را تفهیم می‌کند و همکاری آنان را بدست می‌آورد در حالیکه سایر گروههای تکنوکرات مانند پزشکان، مددکاران و معلمین براحتی آنها نمی‌توانند با مردم معمولی رابطه همکاری برقرار کنند.

بعنوان نمونه یکی از مهمترین کارهای کلیدی در این مبارزه دستیابی به اطلاعات از طریق منسوبین و دوستان و همسایگان معتاد می‌باشد که براحتی توسط پلیس انجام می‌شود و این کنترل اجتماعی و همگانی و رساندن اطلاعات به پلیس در ریشه کنی اعتیاد و معرفی و درمان معتادان بسیار نتیجه‌بخش بوده و بایستی به آن بها داده شود.

از طرف دیگر بعلت رابطه تنگاتنگ پدیده اعتیاد با جرم و جنایت و باز هم از آنجا که تاثیر همکاران

معتاد در لغزاندن آنان سهم مهمی در اشاعه قانون شکنی ها و جرائم دارد لذا همکاری ارگانها باعث می شود که بهترین راه حلها فراروی مسئولین قرار گیرد. گزارشات و نظرات ارگانهای مختلف مملکتی در کشور ژاپن در سطح نخست وزیری هماهنگ شده و تمامی فعالیتهای علیه اعتیاد زیر نظارت ایشان اداره می شود. ایجاد ارتباط و مبادله اطلاعات در سطح ارگانهای داخلی کشور ژاپن محدود نبوده و در صورت ردیابی شاخه های تبهکاران در خارج از مرزهای داخلی پلیس در اسرع وقت همکاران بین المللی خود را مطلع می سازد.

ژاپن در راه ریشه کنی اعتیاد یک نمونه موفق بشمار می رود و این وظیفه مقدس بصورت یک عزم ملی و یک عنصر دفاع استراتژیک از کیان مملکت درآمده است و برای استمرار آن روی سه محور تکیه می کنند: اول آموزش صحیح و گسترده. دوم پرورش و تربیت اجتماعی و سوم برخورد با تبهکاران. آموزش در کلیه سطوح از خانواده شروع و در مدرسه و اوقات فراغت و در محل کار استمرار و در مراحل فراغت از

---

### ■ همکاری و تعاون در ریشه کنی اعتیاد و تعیین دقیق حدود مسئولیت ها توسط ژاپن تجربه شده و توفیق داشته است.

---

تحصیل نیز ادامه پیدا می کند و هدف آن بشمر رساندن نیروی انسانی مسئول و پرتلاش که مسئولانه کشور را اداره می کند و شاید به همین دلیل است که با وجودیکه زندگی در آن سامان بعلت صنعتی بودن خالی از نگرانی و تشویش نیست معهدا تعداد معتادان آن کشور در سطح دانشجویی از حدود ۱٪ تجاوز نمی کند و

معمولاً معتادان را بیشتر بیکاره ها و طبقات پست و تبهکاران حرفه ای تشکیل می دهند و لذا اعتیاد در ژاپن معلول تشویش و دلهره ناشی از صنعتی شدن نیست، بلکه زائده ای بر بیسوادی، بی فرهنگی و بیکارگی می باشد.

در ژاپن صاحبان صنایع وقت کارکنان خود را با تفریحات سالم پر می کنند، برای تربیت اطفال حتی در دامان مادرانشان سرمایه گذاری می کنند و مخصوصاً پرورش جوانان را با فضیلت و پرکاری وجه همت خود قرار می دهند.

هر سازمانی در برابر آموزش و پرورش جوانان وظیفه ای بعهده دارد که بخوبی به آن واقف است و سعی در انجام آن دارد. وزارت امور خارجه موجبات مسافرت های فرهنگی و مبادله دانشجو، سازمان محیط زیست با ایجاد پارکها و سایر وسائل تفریحات سالم، وزارت آموزش توسط نقش آموزشی و فرهنگی، وزارت بهداشت و تامین اجتماعی مسئولیت بهداشت مادران و کودکان و افزایش توان جسمی و روانی آنها، پلیس کشور وظیفه برخورد با باند های تبهکاری و همچنین بسیج و آماده سازی جوانان داوطلب را برای همکاری در همین زمینه ها بعهده دارند و توانسته اند آنچنان تصویری از اعتیاد ارائه دهند که بمثابه جنایت علیه جامعه تلقی شود و فرد ژاپنی نه تنها خود گرد اعتیاد نمی گردد بلکه خود را موظف می داند که فرد معتاد و منحرف را زیر سؤال بکشد و با او برخورد کند. بی جهت نیست که سطح ارتکاب جنایت و جنحه در ژاپن در مقایسه با کشورهای صنعتی کمترین است و یک بانوی ژاپنی بدون ترس از حمله یک تبهکار می تواند در هر ساعت شب و روز تنها در همه جای آن کشور قدم بزند. این کشور طی حدود نیم قرن که

جنگ را پشت سر گذاشته چهار دوره مشخص از درگیری اعتیاد را تجربه کرده است: اول اعتیاد با داروهای محرک طی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۵ که حدود یک میلیون نفر را درگیر کرده بود.

دوم اعتیاد با داروهای مخدر که سالهای ۱۹۵۱ آغاز و در حدود ۱۹۶۰ با حدود ۴۰۰۰۰ هروئینی اوج گرفت و سپس با سیر نزولی کاهش یافت.

سوم اعتیاد به داروهای خواب‌آور و آرامبخش که دورانی بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۷ را بخود اختصاص داده بود.

سرانجام دوران مجدد اعتیاد به داروهای محرک که سالهای ۱۹۷۰ آغاز شد و رؤس معتادان را باندهای تبهکاری تشکیل می‌دادند که مدت زندان خود را بسر برده و آزاد شده بودند. اینان مواد محرک را از کشورهای تایوان و کره بطور قاچاق وارد کشور می‌کردند و گرچه در حال کاهش هستند ولی هنوز حضور دارند.

با توجه به این مطلب که ژاپن دیرتر از کشورهای اروپائی یعنی حدود سالهای ۱۸۶۰ صنعتی شدن را آغاز کرده و بخشی از آثار سوء صنعتی شدن از قبیل افزایش سطح جرائم را پیش‌بینی کرده بود، لذا بمنظور پرهیز از عواقب سوء آن روی تربیت نسل جوان خود در سطحی وسیع سرمایه‌گذاری کرد و سعی کرد شرافت سامورائی نژاد ژاپن را بصورت یک سنت مقدس در آنها زنده نگاه‌دارد.

بطور خلاصه شاید بتوان عوامل مهم توفیق ژاپن را در مبارزه با اعتیاد بصورت زیر خلاصه کرد:

۱- قبول و باور این مطلب که: اعتیاد جرمی علیه اجتماع است و معتاد یک مجرم بوده که باید همه با آن برخورد کنند.

۲- واکنش سریع پلیس در برابر معتادان و منحرفان و تبهکاران.

۳- تمرکز ذهنی جامعه بر این اعتقاد که اتحاد و عزم ملی برای مبارزه با اعتیاد یک ضرورت است.

۴- تکیه بر حفظ منافع جمعی که ویژه فرهنگ ژاپنی است که بعضاً بصورت مقدم داشتن نفع جامعه بر نفع شخصی متجلی می‌شود و بسیار ارزنده است.

۵- ترجیح تفکر و فعالیت جمعی و گروهی بر تفکر و فعالیت فردی که باز هم مختص ژاپنی‌ها است و بخوبی توانسته‌اند آنرا بصورت یک ایده مقدس پیگیری نمایند و از این طریق بازده تلاش مضاعف می‌شود. نقاط ضعف یک تصمیم کاهش می‌یابد و از فکر گروه حداکثر بهره‌برداری بعمل می‌آید. هرکس در عین حال که از مسئولین طراز اول اطاعت می‌کند ولی رای و فکر خود را عرضه می‌کند. ایده ارائه شده تحلیل می‌شود، نقاط ضعف حذف و نقاط قوت درخشان می‌شود و آنچه‌آن است که فاجعه‌ای شوم و خانمان برانداز مانند اعتیاد که می‌تواند بزرگترین خطر برای یک کشور صنعتی باشد در ژاپن سرکوب و کنترل شده است. اگر می‌بینیم آخرین دوران اعتیاد (دوران جدید مصرف محرکها) نه در سطحی به وسعت گذشته ولی مقاومتر هنوز در جامعه ژاپن حضور دارد باید جای پای حرکت تدریجی از گروه به فرد را در آن جستجو کرد. آری ژاپن می‌رود که از جامعه‌گرایی فاصله گرفته و به فردگرایی روی آورد و حاصل آن استمرار اعتیاد در سطحی نازل می‌باشد.

مأخذ:

مورد، م؛ فروم سازمان بهداشت جهانی؛ شماره؛ ۴، صفحه ۳۲۰، ۱۹۹۲